

به نام خدا      اصطلاحات دین و زندگی 3 پایه دوازدهم      تهیه کننده: علی رضا صیادجو

- **پدیده :** وجودش از خودش نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هست.

- **نور :** چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود.

---

- **توحید :** اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خدا بی همتاست و شریکی ندارد

- **شرک :** شریک قرار دادن برای خدا است.

- **مشرک :** هر کس که معتقد باشد خداوند شریک دارد

- **رب :** مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست.

- **توحید در خالقیت :** معتقد باشیم خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است، موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

- **توحید در مالکیت :** از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها مالک آن نیز هست؛ زیرا هر کس که چیزی را پدید می آورد، مالک آن است.

- **توحید در ولایت :** خداوند، تنها مالک جهان است تنها ولیّ و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اجازه او نمی توانند در جهان تصرف کنند.

- **توحید در ربوبیت :** خداوند تنها خالق، مالک و ولیّ جهان است، تنها ربّ هستی نیز می باشد. اوست که جهان را اداره می کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می نماید و به پیش می برد.

- **شرک در خالقیت :** اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده اند، گرفتار شرک در خالقیت شده است.

- **شرک در مالکیت :** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در خالقیت باشد، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود.

- **شرک در ولایت :** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند.

- **شرک در ربوبیت :** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را برعهده دارند. اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند گرفتار شرک شده است.

- **انسان موحد :** هرکسی در زندگی خود از فرمان های خدا اطاعت کند، گام در مسیر توحید عملی گذاشته است. چنین فردی می کوشد تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد.

- **شرک عملی :** اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان های خداوند ترجیح دهد یا در پی کسب رضایت قدرت های مادی و طاغوت ها (بت های بیرون) برآید، چنین شخصی گرفتار شرک عملی شده است.

- **توحید اجتماعی :** بُعد اجتماعی توحید به معنای قرار گرفتن همه ارکان یک جامعه در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. مهم ترین رکن یک جامعه حکومت آن است. وقتی یک جامعه توحیدی است که حاکم آن بر اساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و همان شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است دارا باشد و بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.

- **«توحید عملی» :** انسانی که خداوند را به عنوان تنها خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر «توحید عملی» حرکت می کند.

- **اخلاص :** شخص عملش را فقط برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است، انجام دهد.

- **حُسن فاعلی :** انجام دهنده کار، دارای نیت الهی باشد. یا انسان مؤمن می کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد.

- **حُسن فعلی** : کار به درستی و به همان صورت که خداوند فرمان داده است انجام شود. یعنی عمل را از جهت کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد.

- **حکمت** : علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می دهد و مانع لغزش ها و تباهی ها می شود.

- **انسان حکیم** : به درجاتی از بصیرت و روشن بینی می رسد که می تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.

- **اختیار** : توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.

- **اختیار یک حقیقت وجدانی** : هراسانی آن را در خود می یابد. بی نیاز از استدلال است.

- **اختیار حقیقتی مشهود** : هراسانی می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

- **قدر الهی** : مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی وزمانی آنها را تعیین می کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.

- **قضای الهی** : مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته اند.

- **قدر و قضای الهی** : مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی وزمانی آنها را تعیین می کند، به تقدیر الهی وابسته هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته اند.

- **علل عرضی** : در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند؛ هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می کند هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

- **علل طولی** : گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می

گیرد. علت ها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).

- **سنت های الهی:** براساس تقدیر الهی، جهان خلقت قانونمند است و پدیده های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می پیمایند. این قانونمندی اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربرمی گیرد.

- **سنت ابتلا:** قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد.

- **امداد خاص (توفیق الهی):** خداوند شرایط و اسباب را برای کسی که با یت پاک، قدم در راه حق می گذارد و در این راه سعی و تلاش می کند چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد.

- **سنت املا و استدراج:** اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آنها فرصتی می دهد و بر امکانات و نعمت های آنان می افزاید و آنها این فرصت ها و نعمت ها را وسیله غوطه ور شدن در گناهان قرار می دهند.

- **سنت امداد الهی:** خداوند سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از دو راه حق یا باطل را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت و ...) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود.

- **توبه:** بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست.

- **حقیقت توبه:** همین که انسان بعد از انجام گناه، در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که "چقدر بد شد! چرا به فرمان خدا بی توجهی کردم؟ دیگر این کار را انجام نمی دهم" توبه انجام شده و گناه بخشیده می شود.

- **«تخلیه» یا «پیرایش»** گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد.

- **«تسویف»** : از ریشه «سوف» و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گنهکار دائماً به خود می گوید بزودی توبه می کنم و این گفته را آن قدر تکرار می کند تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می شود.

- **حقوق الهی** : حقوقی که مربوط به خداوند است ربا گناه خود ضایع کرده ایم.

- **حقوق مردم** : دسته ای دیگر، حقوق مردم است. حقوق مادی یا معنوی مردم ربا گناه خود ضایع کرده ایم.

- **توبه اجتماعی** : جامعه اگر در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند «توبه اجتماعی» است.

- **زندگی دینی** : تنها شیوه مطمئن و قابل اعتمادی است که پیش روی هر انسان خردمند و عاقبت اندیش قرار دارد.

- **قمار** : یک کار بیهوده است، پول و ثروت مردم را در مسیری که هیچ فایده ای برای جامعه ندارد به کار می گیرد. از طرف دیگر، این عمل میان برنده و بازنده کینه و دشمنی به وجود می آورد.

- **حق نشر** : مجموعه ای از حقوقی است که به پدیدآورنده یک اثر در حوزه کارهای ادبی، سینمایی، موسیقی، عکاسی، نرم افزار، طراحی های صنعتی و ... تعلق می گیرد. یکی از حقوق این است که تنها، پدیدآورنده آن اثر اجازه نشر و تکثیر آن را دارد و هر گونه استفاده و بهره برداری از اثر نیاز به دریافت اجازه از پدیدآورنده دارد.

- **«حکمت حکم»** : هر دستور خداوند، دلایل خاص خود را دارد که «حکمت» آن حکم و دستور نامیده می شود.

- **فرهنگ** : روح حاکم بر جامعه و نشان دهنده هویت و شخصیت آن است.

- **غسل تعمید** : مبلغان مسیحی معتقد بودند که آدم در بهشت اولیه مرتکب گناه شده است و این گناه به فرزندان آدم نیز سرایت کرده و هر کسی با گناه اولیه به دنیا می آید. بنابراین هر کودکی پس از تولد باید غسل ویژه ای (غسل تعمید) داده شود تا از آن گناه پاک گردد.

- **مصرف زدگی** : از زمانی که ماشین آلات صنعتی ساخته شد، تولید انبوه نیز آغاز گردید. تولید فراوان گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می کرد، اما در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه داران با استفاده از جاذبه

تبلیغات در مردم، نیازهای کاذب به وجود آوردند تا آنان را به تنوع طلبی بکشانند و مصرف گرایی را به گونه ای سرسام آور افزایش دهند تا خودشان به سود بیشتری برسند.

**- علم زدگی:** از حدود قرن هجدهم میلادی به علت پیشرفت های گسترده در علم، این احساس پدید آمد که علم تجربی تنها رمز سعادت ملت هاست و جامعه ای که این راه را بییماید، کلید خوشبختی را به دست آورده است. اما اکنون با گذشت چند قرن و شکست های پی در پی جوامع غربی در عرصه اخلاق و ظهور بحران های اخلاقی در این جوامع، بسیاری دریافتند که علم تجربی نمی تواند پاسخگوی همه نیازهای آنان باشد و نمی توان سعادت را تنها در این علم جست و جو کرد.

**- استعمار:** تولید انبوه کالا و نیاز به بازار کشورهای دیگر، احتیاج به منابع طبیعی دیگر کشورها و نیز روحیهٔ فزون خواهی حاکمان غربی سبب شد که سرمایه داران و قدرتمندان غربی، کشورهای دیگر را، به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانهٔ استعمار (یعنی آباد کردن)، بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر گران قیمت آنها را، از آثار باستانی و کتاب های خطی گرفته تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی، به کشور خود ببرند و برای آن ملت ها فقر را بر جا گذارند.

**- «استعمار نو»:** با بیداری ملت ها، مبارزه با استعمارگران نیز از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. سرانجام دولت های غربی مجبور شدند از استعمار علنی کشورها دست بردارند و حاکمان و نظامیان خود را از این کشورها خارج کنند، اما شیوه دیگری برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که «استعمار نو» نام گرفت.

**- خانواده گسترده:** اعضای خانواده علاوه بر پدر، مادر و فرزندان، شامل اقوام و خویشان نیز می شد.

**تهیه کننده: علیرضا صیادجو دبیر دین و زندگی سمنان**